

مطالعه تطبیقی بهشت گمشده میلتن و

معراج نامه ابوعلی سینا

نگارنده: رامیلا عزیز

چکیده

بهشت گمشده و معراج نامه دو اثر معتبر جهانی با روی کرد دین مدارانه از دو جغرافیای متفاوت با محتوا و مضمون نسبتاً هم گون که هدف هر دو بیان سیر و تحول آدمی از گرایش های نفسانی به ماورای عالم مادی و اعراض از عالم ماورایی به سوی عالم زمینی و مادی است. در طی محور اصلی این سیر در افلاک، از وجود بهشت و دوزخ، کیفر و پادافرای بنده گان، حضور خدا و ناجی بشر با تفاوت ها و تشابهات گسترده به بحث گرفته شده است. این پژوهش به شیوه تحلیل کاربردی و با مطالعه مسائل فرامتنی تأثیرگذار بر هر دو اثر و بر شکل گیری سیر و سفرهای معنوی این چینی انجام شده است. گردآوری اطلاعات در این نوشتار با روی کرد کتابخانه یی و اسنادی انجام شده است. وجه های مشترک میان هر دو اثر که زمینه مقایسه را باز می کند می توان در این چند مورد خلاصه کرد: جغرافیای هر دو سفر، چگونگی حضور خدا و ناجی، بهشت و دوزخ و تفاوت ها در چونی سفر از آسمان به زمین و از زمین به سوی آسمان، چگونه گی و نقش قهرمانان و مواردی جزئی دیگر از این دست برجسته می شوند.

واژه گان کلیدی: سفر معنوی، فرامتن تأثیرگذار بر شکل گیری،

معراج نامه و بهشت گمشده.

مقدمه

موضوع این نوشتار تطبیق و مقایسه دو اثر دین‌مدارانه از دو باور دینی متمایز است. هم‌چنان‌که در تعریف ادبیات تطبیقی به این باور هستیم که به بررسی دو اثر از دو زبان و حوزه جغرافیای متفاوت می‌پردازد یا به تعبیر طه ندا که ادبیات تطبیقی را چنین تعریف می‌کند: «بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر» (۱۳۹۲: ۱۶) است. در ادامه محوری‌ترین نقطه در باب ادبیات تطبیقی را که تأثیر و تأثر است نمود بارزتری می‌بخشد و بر این عقیده است که: «بررسی این‌که این ادبیات چه چیزهای را از ادبیات سایر ملل وام گرفته و چه چیزهای به آن‌ها بخشیده است» حوزه مطالعات تطبیقی را در بر می‌گیرد (همان: ۱۶). این موضوع را با چنین روی‌کردی به بررسی گرفتیم. بهشت گمشده در قرن هفدهم پس از جنگ‌های صلیبی و در حالی‌که اروپا در یک مرحله گذر از جنگ و آشوب به سر می‌برد، توسط جان میلتون شاعر متکلم و فقیه انگلیسی در زبانی با صلابت و سنگین و در قالب فاخر حماسه سروده شد. این حماسه روایت‌گر داستان آدم و حوا و بیرون راندن آن‌ها از باغ عدن و عصیان شیطان در برابر خدا است. میلتون در چگونگی پردازش و بافت کلامش در مباحث ساختاری و ماهیتی علاوه بر این‌که به منابع مسیحیت نظر داشته از آثار اسلامی و به‌خصوص از کتبی که مبانی و توصیف معادشناسانه داشته؛ چون رساله الغفران ابوالعلا معری، فتوحات مکیه ابن عربی و معراج‌نامه ابوعلی سینا به نحو بارزی متأثر بوده است. در ضمن این موارد یکی از آثاری که در جامعه اروپای آن روزی به جای‌گاه درخور رسیده بود کمدی الهی دانته بود و تأثیرپذیری دانته از منابع اسلامی امری صریح و آشکار است. نظراندوژی‌های میلتون در مباحث طبقاتی دانستن آسمان، وجود راهنما و ناجی برای امور، از جنس نور دانستن خدا و فرشته‌گان، زمینه داستان، عالم کائنات بارزتر از دیگر موارد است؛ علاوه بر هم‌گونی‌ها میان دو اثر، نا هم‌گونی‌هایی نیز در چگونگی این سفر وجود دارد. در معراج صعود پیامبر به عالم بالاست؛ اما در بهشت گمشده سقوط آدم و حوا بر زمین است وسیله این سفر در معراج پیامبر با براق و رفرف است؛ در حالی‌که در بهشت گمشده نظر به شخصیت‌ها فرق می‌کند؛ چنان‌که شیطان هم‌چون دیگر فرشته‌گان با بال و آدم و حوا با نردبان به زمین هبوط می‌کنند. تأثیرپذیری میلتون تنها مبتنی بر منابع اسلامی نیست، او به منابع اساطیر یونانی نیز نظر داشته است. بنابر اهمیت این امر و چیستی و چونی این تأثیرپذیری به تطبیق و مقایسه این دو اثر پرداخته شده‌است.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های داخلی اندکی در زمینه ادبیات تطبیقی و به‌ویژه تطبیق و هم‌گونی‌های معراج‌نامه ابوعلی سینا و بهشت گمشده میلتن در افغانستان کار شده است؛ اما در بیرون از این حوزه می‌توان از این مواردی نام برد که اگر چه مستقیماً تحت این عنوان کار نشده است؛ اما می‌توان گفت پژوهش‌هایی در حول و حوش ادبیات تطبیقی و برجسته‌کردن هم‌گونی و ناهم‌گونی‌های بهشت گمشده و معراج‌نامه با دیگر آثار کار شده‌است که اینک به چند مورد آن پرداخته می‌شود:

«مطالعه تطبیقی شرایط اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری کمدی الهی دانتِه و معراج‌نامه ابوعلی سینا» از ادهم ضرغام و دیگران. در این مقاله ابتدا فرامتن ایجاد هر یک از این دو اثر را نگریسته و بعد به تطبیق و یافتن تفاوت‌ها میان این دو اثر را برجسته می‌کند (۱۳۹۵: ۲۷-۵۸).

«بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراج‌نامه احمد موسی و معراج‌نامه میر حیدر»، عنوان مقاله‌یی است از رضا تهرانی که وی این دو مجموعه را از مهم‌ترین آثار تصویری با مضمون دینی در نگارگری تلقی کرده است و در نتیجه به این برآیند می‌رسد که تداوم اسلوب‌ها تصویری رایج دوره مغول با آمیزه‌یی از سنت نگارگری شرق دور در نگاره‌های احمد موسی بارزتر است و در معراج‌نامه احمد موسی نگاره‌ها خارج از قاب که به معنای گریز از محدودیت است نمایان شده‌اند (۱۳۸۹: ۳۶).

«ابلیس شخصیت مرموز از دیدگاه چند اثر کلاسیک ایران و اروپا» نوشته فاطمه شیخ‌لووند و دیگران در این مقاله خلقت و شیطنت ابلیس در کتاب‌هایی از جمله اردویراف‌نامه، سیر العباد الی المعاد علی سینا، رساله الغفران ابوعلا معری و در آثار مسیحیت؛ چون بهشت گمشده و کمدی الهی و هم‌چنین اساطیر هندی و اوستا بازنگری می‌شود و به چگونه‌گی تعریف این موجود در آثار ذکر شده می‌پردازد (بی‌تا: ۲).

«انسان، شیطان و خدای مولانا و میلتن» عنوان مقاله‌یی است از لیلا میر مجرییان، در این مقاله به وجه مشترک میان خدا و انسان و شیطان اسلام و مسیحیت می‌پردازد و این دو را در مقایسه به هر یک از این آثار به‌بررسی گرفته و به چند و چونی آن‌ها که هر دو از جمله آثار معتبر دو فرهنگ شرق و غرب هستند می‌پردازد (۱۳۹۲: ۵۵-۷۲). این موارد در زمینه ادبیات تطبیقی کار شده است و اندکی به این پژوهش نیز نزدیکی‌هایی دارد و این امر بیان‌گر این

است که در باب ادبیات تطبیقی و مخصوصاً تطبیق معراجنامه ابوعلی سینا و بهشت گمشده پژوهشی انجام نشده است و از این منظر می‌تواند نخستین کار در این محدوده به حساب آید، تا آن‌جا که نگارنده این سطور اطلاع دارد، هیچ پژوهش مستقل و فراگیر در خصوص تطبیق معراجنامه و بهشت گمشده صورت نگرفته است.

معراجنامه

سفر روحانی معراج در درازنای تاریخ ادب و فرهنگ اسلامی در هر دور و برهه‌یی از زمان مورد توجه و تفحص قرار گرفته است. نبوت و معجزه یکی از اصل‌های محوری دین اسلام است و پیامبر بعد از خدا دارای ساحت قدسی و روحانی است مبتنی بر این مهم، روایت‌های مختلف از این سفر و تأثیر آن بر فرهنگ و ادب غرب محسوس است. در بحث معراج تأویل و تفسیر از دیدگاه کلامی، عرفانی، دینی، ادبی و فلسفی بنیان شده است. بنا به نقل از میرحیدر در آیات و روایات دو سیر برای این سفر در نظر گرفته شده است: نخست، سیر زمینی از مسجدالحرام تا بیت المقدس با مرکب بهشتی به نام براق و دوم، سیر آسمانی که خود شامل دو مرحله دیگر است یکی، سیر پیامبر از مسجدالاقصی تا سدره‌المنتهی به وسیله براق و دیگری از سدره‌المنتهی تا قاب قوسین به وسیله رفرف (خرازیان و دیگران؛ ۱۳۹۵: ۱۱۳).

معراجنامه ابوعلی سینا از کوتاه‌ترین روایت‌ها با تأویل عرفانی است، که در قرن هشتم به همت شمس‌الدین ابراهیم ابر قوهی شرح‌گونه تحریر یافته است (هروی؛ ۱۳۶۵: ۹). معجزه‌های زیادی در کتاب‌های تفسیر و حدیث و سیره وجود دارد که دلالت بر اثبات پیامبری آن حضرت دارد و این معجزه‌ها به زبان‌های مختلف و زنده دنیا روایت و تفسیر شده است؛ اما از میان این همه معجزه، که به پیامبر نسبت داده شده است معراج، یعنی سفر به ساحت تقدس و نور، با تن و آگاهانه معرف و منحصر به حضرت پیامبر است که هیچ یک از پیامبران به چنین الفتی دست نیافته‌اند. این سفر به زبان‌های عربی، فارسی، اردو و ترکی با شباهت‌های بیش‌تر و اختلافات اندک بیان شده است و در این زمینه شرح تفصیل تلخیص و تأویل‌های زیاد نگاشته شده است.

در مورد تعدد معراج پیامبر و صعود به عالم اعلی تعبیرهای متفاوت عنوان شده است و رأی اکثریت به دو بار، مؤثق‌تر پهلوی می‌زند، هرچند نظر به روایتی از صدو بیست بار ذکر کردند؛ اما آن‌چه مورد تأیید اکثریت است، دوبار دانسته‌اند که یک بار روحی در عالم لامکان و لازمان و

باری دیگر جسمی و عملاً با جان و روح دانسته‌اند (هروی؛ ۱۳۶۵: ۱۴-۱۵). قرآن که کتاب آسمانی و نص صریح و قاطع در میان پیروانش است برای اثبات و تأیید معراج از آیه اول سوره اسراء و آیه چهل و سوم از سوره زخرف و آیات پنجم تا هیجدهم از سوره نجم را دلیل مؤثق می‌توان محسوب داشت (قرآن). در سوره اسراء، معراج پیامبر حقیقی و ملموس بیان شده است و این سیر زمینی به سمت آسمان را به صورت سلسله مراتب بیان می‌نماید تا در تعقل و فکر بشر، حقیقی بنماید؛ به این معنی که نخستین حرکت این سفر از رفتن پیامبر از مسجد حرام به مسجد اقصی یاد شده است (اسراء: آیه اول).

معراج پیامبر در حدیث نمودهای گوناگون دارد، نظر به برخی از روایات پیامبر بعد از این که از معراج برگشت اتفاقات این سفر را به امهانی تعریف کرد بعد در میان جمع به مردم روایت گردید. عده‌یی به معنی و عده‌یی دیگر به لفظ پذیرفتند و ثبت کردند و آن چه از خانه امهانی تا بیت المقدس از آن جا تا اقصی دیده بود، بیان کرد. در همه روایات «از عروج رسول و سیر او بر سماوات و دیدار انبیاء و عرش و سدره المنتهی و دیدن احوال ملائکه یاد شده است» (هروی؛ ۱۳۶۵: ۲۱). از احوال بهشتیان و تنعم آنان و نیز عذاب دوزخیان در بعضی از تعبیر اشاره شده است. رؤیت خداوند به چشم و سخن گفتن پیامبر با وی از جمله مواردی است که در اکثر معراج‌نامه‌ها به آن اشاره شده است. نخستین راویان معراج عبدالله بن مسعود، حسن بصری، عایشه، معاویه بن ابی سفیان، امهانی دختر ابوطالب و ... بودند همه مسلمانان عروج پیامبر را بر آسمان قبول دارند؛ اما روایاتی متعددی در زمینه سیر روحی و فیزیکی، تأویل‌ها و تفسیرها را در این خصوص برجسته می‌کنند.

معراج در قرآن

سوره اسراء و نجم در قرآن کریم روایت‌گر سفر پیامبر و عروج‌شان به عالم بالا است. نخستین آیه سوره اسراء به سفر شب‌هنگام پیامبر اشاره دارد که این سفر از مسجدالحرام به سمت مسجدالاقصی به نحوی که مقدمه برای معراج است، بیان شده: «پاک است آن خدایی که بنده خود محمد (ص) را شبانگاهی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم برد» (اسراء؛ آیه اول). هم‌چنین در سوره نجم خداوند به حقانیت این سفر به آسمان‌ها و تصدیق به روایات پیامبر از عالم بالا تأکید می‌کند (نجم، آیات ۷-۱۸). مؤرخان در نسبت دقیق این تاریخ به کدام سالی اشاره نکردند. عده‌یی از مؤرخان در سال دهم بعثت شب

۲۷ رجب را ذکر کردند. برخ دیگر در سال دوازدهم، شب هفدهم رمضان و عده‌یی دیگر نیز به اوایل بعثت نسبت دادند. پیامبر در این سفر چهار مرحله را طی می‌کند: ۱. سیر زمینی از مکه تا بیت المقدس؛ ۲. از زمین تا عالم بالا؛ ۳. عالم بالا؛ ۴. به افق برتر تا جایی که در حضور خدا می‌ایستد و پروردگار عالم را فارغ از قیل و قال و حرکت می‌یابد و صدای حضرت حق را می‌شنود که خطاب به وی می‌گوید فراتر آی و پیامبر در توصیف این صوت می‌گوید که به این زیبایی صدایی را هرگز نشنیده بود. پیامبر تا جایی صعود می‌کند که جبرئیل را توان رفتن نیست (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۶-۱۱۷). مولوی خداوندگار بلخ رؤیایی بودن معراج را «بدیهی‌البطالان» می‌داند و بر این عقیده است که اگر معراج پیامبر را رؤیا بپنداریم، قرآن با آن وجه و پایه آسمانی بودنش زیر سؤال می‌رود؛ زیرا به باور وی رؤیا یا خواب‌های رحمانی برای افراد غیر از پیامبر هم ممکن است. او معراج را در حد رؤیا پایین نمی‌کشد. منکر معراج آسمانی نیست، آن را امری قطعی و مسلم می‌داند و صعود یکی از افراد بشر را مصداق مقدار آدمیت و برتر دانستن مقام آدمی از قرب فرشته می‌داند (زمانی؛ ۱۳۹۶: ۱۰۸).

شرحی بر معراج‌نامه

اعراب، به‌ویژه قریشیان قبل از ظهور پیامبر در عیش و لذت به سر می‌بردند، پیامبر در چنین وضعیتی این رسالت سنگین را پذیرفت و مأمور گردید تا پیام بزرگ حضرت حق را به جهانیان تبلیغ کند. او نخستین ارشاداتش را به‌صورت غیر علنی در میان مردمان پخش کرد؛ زیرا می‌دانست که اطرافیانش ایجاد شریعت جدید را از سوی فرد اُمی به آسانی نمی‌پذیرند و در پی آزار و اذیتش دست روی دست نمی‌گذارند. هم‌چنان که فارغ نشستند، ابوطالب از میان تمامی آنانی که دین جدید را به تمسخر گرفتند، به حمایت حضرت محمد برخاست و اگرچه تا آخر عمر ایمان نیاورد؛ ولی دست از حمایت برادرزاده‌اش برنداشت و پیامبر به کمک ابوطالب تبلیغ دینش را آشکارا بعد از سه سالی که در خفا جریان داشت، آغاز کرد (مبارکپوری؛ ۱۳۸۷: ۱۰۱). همت قوی کرد و در مقابل سختی و ناملایمات به مبارزه پرداخت. در نخست بسیار کوشیدند تا محمد را تطمیع کنند و او را از راه‌اش بازدارند؛ برایش ثروت، قدرت، هدایا و زنان زیبا را پیش نهاد کردند؛ اما محمد که راه‌اش سوای این مباحث بود ادامه داد. در چنین وضعیتی اعراب خواهان مصداقی از نبوت برحق پیامبر و سخنانش شدند و وی را برآن داشتند که از خدا بخواهد تا در زمین خشک و ریگ‌زار باران ببارد و بر آن چه ادعا می‌کند؛ چون بهشت و دوزخ

و کیفر و عقوبت مصداق بیاورد. قرار معیشت الهی بر آن رفت تا معراج اتفاق افتاد. پیامبر به معراج رفت و جلوه‌یی از دوزخ، آسمانیان و از کم و کیف عالم بالا را برای‌شان بازگو کرد.

زمان سرایش بهشت گمشده

بهشت گمشده، بزرگ‌ترین منظومه داستانی انگلیسی و یکی از برجسته‌ترین حماسه‌هایی است که به زبان‌های جدید سروده شده است. روایتی از ماجرای نخستین نافرمانی انسان است و خوردن میوه ممنوعه و پرداخت بهای سنگین؛ یعنی از دست دادن بهشت و مرگ و غم را به جهان واقع، دست‌رنج آوردن است. محدوده این منظومه سراسر کائنات و بهشت و دوزخ است. میلتن در سرودن این منظومه به تمامی اشعار و معارف، افسانه‌های کهن و سده میانه و دوران رنسانس نظر داشته است. او در طرح و ساختار این منظومه از قرآن، کتاب مقدس، تلمود، ایلپاد و اودیسه، انثید تراژیدی کهن، رنسانس ایتالیا و نویسندگان لاتینی فرانسوی و انگلیسی و عربی و ... سود برده است و این چنین اشارات بسیار به منابع و معارف نه به آرایش صرف که جزء بافت منظومه است. از نکات برجسته در این کتاب شیوه نگارش متین و باصلابتی است که خاص مباحث حماسی می‌باشد؛ هم‌چنین دامنه وسیع دانش و نگرش آن است؛ چنان‌که هیچ منظومه دیگر از این چنین دانش و آگاهی سرشار نیست. میلتن این حماسه بزرگ را در قالب شعر سپید سروده است (تراویک؛ ۱۳۷۳: ج ۲ / ۱۰۰۷).

میلتن در سال ۱۶۵۲ بینایی خود را از دست داد. در ۱۶۵۵ از خدمت دولتی کناره گرفت و در همین سال‌های بازنشسته‌گی رو به سرایش مجدد شعر آورد و آثار جهانی، چون: بهشت گمشده و بهشت باز یافته را خلق کرد (همان ۱۰۰۷). گستره این دانش به حدی است که گویا میلتن با کلیت دانش تمدن هر سرزمینی آگاه بوده است. او در جایی از صوفی بلخی که به احتمال زیاد منظورش مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است حرف می‌زند و سرگذشت وی را که فرار از هجوم ترکان به سوی پناه امن است چنین تعبیر می‌کند: «چونان هنگامی که تاتار، دور از دشمن خود روسیه، از میان دشت‌های پوشیده از برف هشرخان می‌گذرد و عقب می‌نشیند، یا چون هنگامی که صوفی بلخی از بیم شاخ‌های ماه هلالی شکل ترکان می‌گریزد و در عقب‌نشینی خود به سمت تبریز یا قزوین، نقاط فراتر از قلمرو الدول را ویران بر جای می‌نهد» (میلتن؛ ۱۳۸۷: ج ۳، ۱۰۲۷-۱۰۲۸).

نمونه‌های ادبی اسلامی تأثیرگذار برمیلتون

آن‌چه در بهشت گمشده به وجه بارز می‌تواند توجه‌برانگیز باشد، کاربست دامنه وسیع دانش عقیده‌تی، تاریخی، فلسفی و اجتماعی است. استفاده از عقیده مسیحیت و اسلام در بسیاری از جاها نمود برجسته دارد. به احتمال قوی میلتون با مبدأ و معاد آشنایی داشته، گویا که از بسیاری آثار سود برده است؛ هم‌چون معراج‌نامه‌ها، رساله الغفران ابوالعالی معری و فتوحات مکیه. امینی لاری معتقد است که میلتون در خلق بهشت گمشده‌اش از رساله الغفران ابوالعالی معری تأثیر پذیرفته است و بهشت گمشده شباهت‌های زیادی به این رساله معری دارد (۱۳۸۸: ۱۵).

میلتون در بهشت گمشده متأثر و الهام‌پذیر از کمدی الهی دانته است. همه براین قول معترف‌اند که دانته به نحو بسیار بارزی به آثار اسلامی نظر داشته است و اگر فرض بر این شود که میلتون مستقیماً به آثار اسلامی توجه نداشته است، تأثیرپذیری از کمدی الهی را که سراسر به آثار اسلامی با بنیاد معادشناسانه پرداخته شده است را نمی‌توان نادیده گرفت. تنها توجه وی به این اثر به معنی نگاه و نظراندوزی میلتون به صورت غیرمستقیم به آثار اسلامی است. با استفاده از همین روی کرد وسعت دانش و نگرش میلتون در بهشت گمشده باعث شد که این اثر خیلی زود در میان آثار جهانی راه بازکند و در جمله شاه‌کارهای ادبی جهان به حساب آید (طالبی؛ ۱۳۸۵: ۴۷).

به‌باور عزیز احمد، چاپ‌های متعددی از معراج محمد (ص) در اروپای قرن ۱۲ و ۱۳ وجود داشته است. تحت نام Codex of un Castillo و در طی گزارشی که از زیمنس در همین قرن داده بود، چاپ معروفی از مبلغی اعزامی به نام ریکولدو وجود داشته است (۱۳۵۷: ۸۲۲-۸۲۵).

بوزانی به نقل از سرولی معتقد است که در قرون وسطی، یعنی در زمان دانته دو ترجمه لاتین و فرانسوی از کتابی به نام المعراج وجود داشته است و این کتاب المعراج به نوبه خود در اسپانیای اسلامی منتشر شد و گویا ترجمه‌یی از عربی به اسپانیولی قدیم توسط کلیمی تحت امر پادشاه آلفونس دهم صورت گرفته است. این کلیم بدین باور است که اگر دانته ساختار کمدی را برحسب و نظراندوزی از منابع اسلامی گرفته است به لحاظ روحی نیز تحت نفوذ ابن‌سینا قرار داشته (عظیمی؛ ۱۳۹۵: ۴۱).

شرحی بر بهشت گمشده

در نتیجه جنگ‌های بزرگ قرن هفدهم عده‌یی از کشورها قدرت و نفوذ خود را از دست دادند و عده‌یی دیگر؛ چون دولت فرانسه، انگلیس، اتریش و ترکیه صاحب نفوذ و قدرت بودند. در این قرن حکومت‌های سلطنتی اختیار اداره امور را به دست گرفتند و جای‌گزین نظام‌های فئودالی قرون وسطی شدند. نظام حکومتی در فرانسه و اسپانیا و اتریش به همین ترتیب بود؛ ولی انگلیس از این امر مستثنا بود؛ زیرا بعد از استبداد خانواده تودرو، نظام پارلمانی در این سرزمین معمول گشت و این نظام در اروپای آن روز بی‌نظیر بود. هرچند در بعضی از کشورهای دیگر این نظام جاری بود؛ اما سبک و سیاق اشرافی داشت. در هیچ‌یک از کشورها حکومت ملی و دموکراتیک دیده نمی‌شد. در اروپا روحانیون و نجبا قدرت سیاسی خود را از دست داده بودند؛ اما امتیازات مالی‌شان محفوظ بود. بورژوازی در انگلیس مهم بود روستائیان بر اثر جنگ‌های متوالی در فقر و تنگ‌دستی به سر می‌بردند (دولاندن؛ ۱۳۹۴: بند ۲ و ۳)؛ هم‌چنان که سیاست و ادبیات دو خط موازی و متأثر از یک‌دیگرند در قرن هفدهم مباحث ادبی در اروپا گرایش‌های کلاسیزمی دارد؛ اما در انگلیس این گرایش به شدت دیگر مناطق نبود و به هنر و ادبیات که نمود ملی در آن‌ها نفوذ بیش‌تری داشت توجه می‌شد؛ پس از این موضوع باید به پیشرفت و شکوه ادبیات در فرانسه و انگلیس و اسپانیا اشاره کرد و حال آن‌که در ایتالیا و به‌خصوص در آلمان وضع ادبی چندان خوب نبود؛ البته باید دانست که پیروی از ادبیات قدیم جنبه قطعی و الزامی نداشت و نه تنها با ناسیونالیزم انگلیسی یا اسپانیایی مواجه بود؛ بلکه تمایلات دیگری نیز، از قبیل تصنع، ظاهرسازی مفرط در بیان و توصیف احساسات وجود داشت. شعر با پیشرفتی کم و بیش قابل ملاحظه در همه‌جا رواج داشت. حماسه‌سرایی با آن‌که ظاهراً در حال زوال بود در انگلیس شاهکاری به نام بهشت گمشده از میلتن خلق شد (همان: بند ۱ و ۴). میلتن نویسنده و اندیش‌مند مسیحی عصر روشن‌گری، فقیه، متکلم، الهی‌دان، شاعر و رومان‌نویس پروتستانی است (طالبی؛ ۱۳۸۵: ۴۷). این اثر ابتکار مذهبی عظیمی است که از مسیحیت، به‌خصوص از عقاید مذهبی دین‌گرایان الهام گرفته است. در این کتاب که از خطاها و سقوط بشر از عالم بالا به زمین سخن می‌رود، اندیشه تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی مخصوصاً قرآن زیاد به چشم می‌خورد. تصاویر، تشبیهات مهیب و هیجان‌انگیز، نظم مشکل، کاربست وزن‌های متنوع و جدید در این منظومه موجب شهرت آن شده است. میلتن

گذشته از این شاه کار حماسی جهانی صاحب منظومه های فلسفی، کمدی و مقالات جدلی نیز است.

این اثر در اولین چاپ در ده بخش و ده هزار بند در سال ۱۶۶۷ به نشر رسید و در چاپ دوم با بازنگری و تأثیرپذیری از انه اید ویرژیل با دقت بیش تر به نظم و قافیه اش به دوازده بخش تقسیم و به چاپ رسید. میلتن در این حماسه پاگانیزم و ادبیات کلاسیک یونانی و مسیحیت را به شعر درهم آمیخته است و این یکی از بنیادی ترین عللی است که در مورد بهشت گمشده به عنوان اثری فرامرزی و جهانی نگریسته می شود؛ زیرا پیوست میان وحی، علم بشری و بنیۀ عاطفی را محکم کرده است.

تطبیق معراج نامه ابوعلی سینا و بهشت گمشده میلتن

بهشت گمشده یک اثر متعالی حماسی سرشار از علوم عقاید و باورهای چندین سالۀ بشر است. اثری با بنیۀ عقیدۀ مسیحی است که از ترکیب افسانه های اساطیری یونان و روم باستان و نیز توأم بادانشی از مسائل تاریخی - سیاسی زمان و آشنایی با معارف اسلامی خلق شده است که آشنایی با معراج نامه یکی از آن دانش هاست. در این بخش ذکر تشابهات دو اثر می تواند بر تأثیرپذیری میلتن از معراج نامه صحه بگذارد. این تشابهات عبارت است از:

وجود راهنما ممیزۀ مشترک در هر دو اثر است: معراج پیامبر در شب اتفاق می افتد و جبرئیل راهنمای پیامبر در این سفر است. از آغازین لحظۀ سفر با پیامبر همراه و هم گام می رود و او را تنها نمی گذارد: «ناگاه جبرئیل فرود آمد اندر صورت خویش با چندان بها و فر و عظمت که خانه روشن شد» (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۰۱) و زمانی که پیامبر از حضور ناگهانی جبرئیل در نظر هراسان می شود، جبرئیل خطاب به وی، او را به آرامش فرا می خواند و به دنبالش دعوت می کند: «آشفته و در وا شد و بر اثر جبرئیل روان شدم»، «چون اندر راه روان شدم و از کوه های مکه اندر گذشتم، رونده یی بر اثر من می آمد و آواز می داد که بایست. جبرئیل گفت حدیث مکن و اندر گذر، گذشتم»، «به اثر من زنی آواز می داد - فریبنده با جمال - که بایست تا به تو رسم، هم جبرئیل گفت: اندر گذر و مایست» (همان؛ ۱۰۳، ۱۰۴ و ۱۰۵). در هیچ یک از مراحل، جبرئیل محمد (ص) را تنها نمی گذارد و او را یا به کاری فرامی خواند و یا از کاری بر حذرش می دارد.

در بهشت گمشده جبرئیل در بسا از موارد در هیئت راهنما ظاهر می‌شود. آدم و حوا را راهنمایی می‌کند. برحذرشان می‌دارد. با این تفاوت که در بهشت گمشده نقش راهنما تنها مختص به جبرئیل نیست و فرشته‌گان دیگر نیز مأمور به این امر هستند: در کارزار خدا و شیطان، خدا، جبرئیل و میکائیل را به‌عنوان راهنمای مسؤول آماده‌سازی سپاه برای جنگ با شیطان مأمور می‌سازد. در این جنگ شیطان شکست خورد و با سپاه عظیم خود به گودالی ژرف سقوط کرد (همان: بند ۱۲۵، ۱۶۰-۱۶۵ و ۱۷۵-۱۸۰). هم‌چنان که ذکر گردید راهنما در بهشت گمشده تنها جبرئیل نیست: «بعزبوت نزدیک‌ترین دوست شیطان و راهنمای شیطان» ای فرمانده! هرگز این سپاهیان درخشان، از هیچ قدرت دیگری؛ مگر قادر مطلق، تحمل ننگ شکست را نمی‌کرد...» (بند ۱۹۵ ص ۴۹۴)، مسیح، رهبر و فرمانده بشر (ص ۶۴۲-۶۴۴). عوریل، در مکان زیبا جایی که شیطان در جست‌وجوی نخستین بشر می‌گشت (۶۶۱ ص). رافائیل مأمور راهنمای آدم و حوا (ص ۷۶۲ بند ۲۴۵ شروع هدایت بند ۷۶۵ بند ۳۷۰، بند ۴۵۵ رافائیل با مرکب بال‌دار به‌عنوان راهنما (بند ۱۰ ص ۸۵۹). البته در معراج نامه نیز میکائیل بزرگ‌ترین فرشته معرفی می‌شود؛ چنان‌که همه‌چیز را می‌داند: «اندین دریا وادی فریشته‌یی دیدم با عظمت و فر و بهای تمام که در هر دونیمه به فراغت تأمل می‌کرد مرا به خود خواند؛ چون بدو رسیدم، گفتم: نام تو چیست؟ گفت: میکائیل من بزرگ‌ترین ملائکه‌ام هر آن‌چه تو را مشکل است از من بازپرس و هر چه تو را آرزو کند از من بخواه تا تو را به همه مرادها نشان دهم» (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۵).

نکته دیگری که از وجه‌های مشترک این دو کتاب می‌توان عنوان کرد، طبقه‌بندی آسمان‌هاست «قرآن در سوره بقره آیه ۲۹ / مؤمنون ۱۷ / ملک ۳ / نبأ ۱۲ / انبیاء ۳۳ / صافات ۶ / آسمان را هفت طبقه دانسته است. در معراج نامه نیز سخن از هفت آسمان است که در هریک از آسمان‌ها پیامبری و یا ملکی مستقر است: در آسمان اول، حضرت اسماعیل، در آسمان دوم، فرشته‌یی مقرب‌تر از پیش، آسمان سوم، ملکی در جمال و حسن بی‌همتا، چهارم، فرشته‌یی پادشوار بر تختی نشسته، پنجم، اطلاع از عالم پرهیبت دوزخ، ششم، فرشته‌یی بر کرسی از نور نشسته هفتم، ملکی بر کرسی از یاقوت. بعد از آسمان هفتم سدره‌المنتهی و بعد عرش اعلی (ابن سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۶-۱۰۹). طبقه‌بندی آسمان‌ها در جای‌جایی از بهشت گمشده پیدا است؛ اما به‌صورت منظم و این‌که در آسمان اول چه و در آسمان دوم چیست بیان نشده؛ اما در بسیاری جای‌ها از حضور خدا در عرش اعلا صحبت می‌کند:

«در این هنگام کار خدا به پایان رسید همه آن چه را آفریده بود
نظاره فرمود و همه چیز را بس نکو یافت! بدین سان شب و روز،
ششمین روز را به تحقق بخشید؛ البته نه پیش از آن که خالق
بی همتا هرچند خسته گی ناپذیر، کار خود را به پایان رساند و دوباره
به بالا عروج کند و به بالاترین سپهر، به عرش اعلی که جایگاه
اعلا اوست بازگردد تا از آن نقطه، به نظاره کردن این جهان نو
آفریده، بنشیند» (میلتون، ۱۳۸۷: ج ۳، ۵۴۴-۵۷۰، ۸۸۲).

وقتی در بهشت گمشده سخن از آسمان هاست به این معناست که مراد یک آسمان نیست
و این امر دلیل بر تعداد بیش تر از یک آسمان است؛ ولی طبقه بندی هم چنان که گفته شد
منظم نیست؛ برخلاف معراج نامه که از آسمان ها با ذکر طبقه یاد می کند: «...این هفت فرشته
مقرب، دیده گان ذات اقدس ابدی اند، آن ها همه آسمان ها را درمی نوردند و یا به پایین به سمت
این سیاره زمینی می آیند و پیام های سریع خدا را به هر چیز خشک یا تر و بر زمین سخت یا بر
دریا حمل می کنند...» (میلتون؛ ۱۳۸۷: ج ۲ بند ۶۲۷-۶۵۳، ص ۶۶۱).

خدا و فرشته ها از جنس نوراند. وجه مشترک دیگر میان هر دو کتاب: «درود بر توای نور
مقدس و ای وادی نخست زاده آسمان! ای پرتو ابدی و ازلی هستی! آیا مجازم بی آن که مورد
سرزنش قرار گیرم، تو را این گونه بنامم؟ زیرا خدای متعال نور مطلق است و در تمام ابدیت
هرگز در چیزی؛ مگر نوری دست نایافته، حضور نیافته است!...» (میلتون؛ ۱۳۸۷، ج ۲: بند ۱،
۶۳۳). می تواند اشاره به آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» در قرآن کریم باشد و درجایی دیگر
«ای نور آسمانی! بیش از پیش در باطنم بدرخش! باشد که همه قدرت های ذهنی ام از پرتوهای
تو بهره مند گردد! دیده گانی به روحم عطا فرما و همه ابرهای مه آلود را از مقابل چشمانم
پراکنده و دور ساز تا یاری دیدن و بیان چیزهای نامرئی برای دیده گان بشر فانی را داشته
باشم و به تعریف از آن ها همت گمارم! از حالا پدر قادر و توانا از فراز آسمان، از عرش اعلای
پاک و خالص، از سریری بر فراز بلندترین بلندا، نگاه خویش را برای نظاره کردن همه آثار
خلقت خود و مصنوعات این آثار آفرینش به پایین دوخته بود» (میلتون؛ ۱۳۸۷: ج ۲، بند ۴۰-
۴۵) که می تواند اشاره به آیه «اللَّهُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (قرآن کریم، طه: آیه پنج) داشته باشد.
در معراج نامه نیز «چون به آسمان سیوم رسیدم، ملکی دیدم که مثل او اندر جمال و اندر
حسن ندیده بودم. شاد و خرم نشسته بر کرسی یی از نور و ملائکه گرد بر گرد او اندر آمده»
(سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۰) در آسمان ششم فرشته یی بر کرسی یی از نور پرها و گیسوهایش مرصع به

دُر و یاقوت (همان؛ ۱۱۱) «و چون اندر گذشتم رسیدم به سدره‌المنتهی، عالمی دیدم پرنور و ضیاء و چندان روشنایی داشت که چشم خیره می‌شد؛ چندان که نگاه کردم بر چپ و راست همه فرشته‌گان روحانی دیدم به عبادت مشغول» (ابن‌سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۱-۱۱۲).

درخت مؤلفه با نمود بالا در بهشت گمشده و یکی از درخت‌ها که توصیف‌اش بسیار است، درخت دانش و زنده‌گانی جاوید است که شیطان با میوه همین درخت به فریفتن حوا مبادرت ورزید و باعث هبوط او در زمین شد. شیطان «هم‌چون مرغی ماهی‌خوار بر روی شاخ و برگ درخت زنده‌گانی نشست درخت میانی که نیز بلندترین در سراسر بهشت بود (میلتن؛ بند ۱۷۱-۱۹۵: ۶۹۴). در معراج‌نامه: «درخت سدره را دیدم مهتر از همه‌چیزها. بیخ اندر بالا و شاخ اندر زیر که سایه او بر آسمان و زمین افتاده بود» (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۲). در برخی روایات آمده است در مورد درخت سدره فرموده‌اند که درخت بزرگی بود که ماندش را ندیده بودم که هر شاخه‌یی از آن فرشته‌یی بود و بر هر برگی از آن ملکی و پاره‌یی از انوار عظمت محمدی که خدا به او جلالتی داده بود.

نردبان را نیز می‌توان وجه مشترک دیگر میان معراج‌نامه و بهشت گمشده پنداشت. در معراج‌نامه صحبت از نردبان به‌عنوان ابزار برای صعود بحث می‌شود: «چون فارغ شدم، روی به بالا نهادم، نردبانی یافتم یکی پایه از سیم، یکی پایه از زر» (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۰۹).

و در بهشت گمشده نیز سخن از نردبان با پله‌های طلایی است: «... از آن‌جا شیطان با رسیدن به پایین‌ترین پلکان - که با پله‌های طلایی تا دروازه آسمان صعود می‌کند - به تماشای پایین پرداخت: از مشاهده ناگهانی چشم‌انداز عالم هستی، سراسر آکنده از شگفتی و حیرت گشت» (میلتن؛ ۱۳۸۷: ج ۲، بند ۵۳۴-۵۵۳ ص ۶۵۷). هم‌چنین بند ۵۳۳-۵۱۴.

دوزخ در بهشت گمشده «او با گروه وحشت‌ناکش، هرچند جاوید لیک مغلوب برجای‌مانده، باگم گشته‌گی در آن گودال آتشین به گردیدن پرداختند» (میلتن؛ ۱۳۸۷، ۴۸۳، ج ۲، بند ۴۶-۷۵)، «در استواری گام‌های نامطمئنش بر روی زمین سوزان که بس متفاوت از گام‌هایش در آسمانی لاجوردین بود، به یاری‌اش می‌آمد، هوای سوزان مزین به طاقی آتشین، باز جراحاتی دیگر بر او وارد آورد؛ با این‌حال همه‌چیز را تحمل کرد تا سرانجام به کنار دریای شعله‌ور رسید، آن‌جا از حرکت بازایستاد» (همان؛ ۴۹۵، بند ۲۸۸-۳۰۴) و در جای دیگر «زندان ما مکان مقتدری است! این گودال عمیق و عظیم و آتشین که برای بلعیدن ما چنین خشن می‌باشد نه نوبت محصورمان کرده است...» (همان؛ ج ۲، ص ۵۸۰، بند ۴۰۸-۴۳۶) و دوزخ در معراج‌نامه:

«چون به آسمان پنجم رسیدم اندر رفتم مرا اطلاع اوفتاد بر دوزخ، ولایتی دیدم پر ظلمت و باهیت و مالک را دیدم برطرف او نشسته و به عذاب و رنجاندن مردم بدکار مشغول بود» (سینا؛ ۱۳۶۵: ۱۱۰).

آنچه قرینه‌های این دو اثر را قوت می‌بخشد در همین مؤلفه‌هایی بود که ذکر گردید و این را به معنای تأثیرپذیری تقلیدی نمی‌توان عنوان کرد؛ زیرا آثار و متن‌ها حتی به‌صورت ناخودآگاه در لایه‌هایی از یک‌دیگر متأثر شده و از یک‌دیگر رنگ و لعاب می‌گیرند. هم‌چنان‌که در نمود پیش‌زمینه‌های یکی از رگه‌های اصلی در همه موارد قلم‌داد می‌شود در نگارش و آفرینش متنی تأثیر و تأثر پذیری امری طبیعی و عادی است؛ بنابراین میلتون بامطالعه این همه آثار حتی اگر می‌خواست هم که متأثر نباشد، متأثر بود؛ زیرا از رسوبات ذهنی مجال‌گریز نیست. در کنار این هم‌آیی و هم‌گرایی پردازش و بافت منحصر به فرد هر یک از نویسندگان و چگونگی تعریف موضوع در فرهنگ و زمینه هر جامعه و وجه‌های متفاوتی را نیز بیانگر است؛ چنان‌که می‌توان از قهرمان اصلی در بهشت گمشده شیطان و در معراج‌نامه پیامبر، در بهشت گمشده صحبت از سقوط، عقوبت و عصیان است و در معراج‌نامه سرشت متعالی فرمان‌بری، پاداش صعود به عالم بالاست و بسیاری نکات دیگر از این گونه موارد.

نتیجه‌گیری

جوامع انسانی در برهه‌های زمانی متفاوت نظام‌ها و حاکمیت‌های گونه‌گون را تجربه می‌کنند و در پی این نظام‌ها نگرش‌ها و جهان‌بینی دگرگون رقم می‌خورد و طیف‌ها و طبقات اجتماعی برحسب داشته‌های‌شان عمل می‌کنند. اروپا در قرن هفدهم در حال به‌عقب‌راندن عصر تاریکی و در شرف آغاز عصر روشن‌گری است؛ قطعاً در رسیدن به روشن‌گری نیاز به پیش‌درآمدها و فراخوان‌هایی از طیف آگاه و بادانش در جوامع پس از جنگ نیاز است. میلتون نگرش عمیق خود که حضور وی در آن عصر برابر با حاکمیت خاندان تودرو است پی می‌برد؛ چون خود فقیه و متکلم است می‌خواهد از این آدرس و این تمثیل را که اعمال نیک کیفر و عصیان عقابی در پی دارد و چگونگی این عصیان را برای جامعه‌اش بیان بکند و آن را برای صلح هم‌گرایی نیک منشی فراخواند. در قرن ۱۲ و ۱۳ ارتباط میان اروپا و اسلام و ایجاد مرکز اسلامی در اسپانیا ره‌آوردی را که برجسته کرد تأثیرپذیری اندیش‌مندان و نویسندگان اروپا از منابع اسلامی بود که بسیاری کسان از طریق ترجمه آثار یا منابع اسلامی از عربی به لاتین و

دیگر زبان‌ها سود بردند و در آثار خود به کار بستند و این امر نکات فکری واحد و مشترکی را از عالم نامحسوس میان اسلام و غرب به وجود آورد. میلتن کسی از جنس بشر در آن زمان چگونه گی بهشت و دوزخ و عصیان و کیفر در پی نهفته آن را یافته‌های خویش برای رفع انحرافات و ناهنجاری‌ها و برای رستگاری مردمانش محسوس و ملموس می‌کند، با این تفاوت که در معراج‌نامه، بشری، ولی متعالی و به عنوان یکی از معجزات صریح نبوت خویش به عالم اعلاء سفر می‌کند و تمام اتفاقات و وقایع را که با چشم سر دیده برای پیروان خویش تعریف می‌کند، حالا بماند این که عده‌یی این سفر را در عالم خیال پنداشتند و عده‌یی دیگر در عالم محسوس و ماده. بر اساس مقایسه‌هایی که میان این دو اثر دین‌مدارانه صورت گرفت، وجه‌های مشترک زیادی باهم داشتند که هم از جهت ساختاری و هم از جهت محتوایی نه تنها با معراج‌نامه ابوعلی سینا هم‌سویی‌هایی داشت که گویا از دیگر منابع اسلامی و غیر اسلامی با محتوایی معادشناسانه به خصوص کمدی الهی متأثر بوده است.

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. احمد، عزیز. (۱۳۵۷). «انتقال میراث فرهنگی اسلام از طریق سیسیل به ایتالیا». مترجم: نقی لطفی با هم‌کاری جعفر یاحقی. تهران: فصل‌نامه جستارهای ادبی. شماره ۵۷. صص ۸۱۱-۸۲۶.
۳. امینی، لاری و دیگران. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی افکار و عقاید ابوعلا و خیام». شراز: مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز. دوره اول. شماره اول.
۴. تهرانی، رضا. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی عناصر ساختاری در معراج‌نامه احمد موسی و معراج‌نامه میرحیدر». تهران: فصل‌نامه تحلیلی - پژوهشی نگره. شماره ۱۴.
۵. خرازیان و دیگران. (۱۳۹۵). «یک روایت شرقی معراج‌نامه میرحیدر». فصل‌نامه علمی پژوهشی کیمیا هنری. سال پنجم. شماره ۲۱.
۶. دولاندن، شارل. (۱۳۹۴). «تمدن اروپا در قرن ۱۷ م». مترجم: احمد بهمنش. <http://rasekhoon.net/article/show/>
۷. زمانی، کریم. (۱۳۹۶). میناگر عشق. تهران: نشر نی.

۸. ابن سینا، ابوعلی. (۱۳۶۵). **معراج نامه ابوعلی سینا**. تصحیح و تعلیق نجیب مایل هروی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی.
۹. شیخ‌لووند، فاطمه و دیگران. (بی‌تا). **«ابلیس شخصیت مرموز از دیدگاه چند اثر کلاسیک ایران و اروپا»**. مشهد: فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۰. طالبی، مسعود. (۱۳۸۵). **«نقش کتاب مقدس و ارباب کلیسا در ظهور فمینیسم»**. فصل نامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان. سال هشتم. شماره ۳۲.
۱۱. عظیمی، ندا و همکاران. (۱۳۹۵). **«مطالعه تطبیقی شرایط اجتماع سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری کمدی الهی دانته و معراج‌نامه»**. تهران: فصل نامه علمی پژوهشی - پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. دوره ۴ و شماره ۳. ص ۲۷-۵۸.
۱۲. میرمجربیان، لیلا. (۱۳۹۲). **«انسان، شیطان و خدای مولانا و میلتن، الهیات تطبیقی»**. (علمی پژوهشی). سال چهارم. شماره نهم. ص ۵۵-۷۲.
۱۳. میلتن، جان. (۱۳۸۷). **بهشت گمشده**. مترجم: فریده مهدوی دامغانی. ج ۳. تهران: مؤسسه نشر تیر.
۱۴. مبارکپوری، مولانا صفی الرحمن. (۱۳۸۷). **سیره النبی**. مترجم: عبدالله خاموش هروی. تربت: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۱۵. ندا، طه. (۱۳۹۲). **ادبیات تطبیقی**. ترجمه و تحقیق زهرا خسروی. تهران: نشر فرزانه روز.
۱۶. هونکه، زیگرید. (۱۳۶۲). **فرهنگ اسلام در اروپا**. مترجم: مرتضی رهبانی. ج ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.